Original Article Open Access

Medical Law Journal

2026; 20: e54

Journal Homepage: http://ijmedicallaw.ir

The Jurisdiction of the Criminal Court in Handling Legal Matters Related to Physical Health

Rohollah Korani[1], Shahram Mohammadi[2*], Mehdi Hatami[2]

1. Department of Law, Sa.C., Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.
2. Department of Law, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The jurisdiction of criminal courts in handling criminal matters is not absolute and sometimes they intervene in legal issues. One of the most important examples of these interventions is the handling of claims for damages resulting from a crime, which is related to the issue of blood money in criminal matters. However, the conflict of some legal articles and various procedures has caused confusion among the judges of these courts in determining the amount of the aforementioned damages, which is the aim of this study.

Method: This study was conducted using an analytical-descriptive method and the aim was to examine the jurisdiction of the criminal court in handling civil liability claims resulting from personal injuries in the Islamic Republic of Iran and the common law of Canada.

Ethical Considerations: Throughout the writing process, research principles were adhered.

Results: There is a lot of discussion about the damages caused to life and its place in the branches of law, and in our country, unlike common law systems, this issue is in the literature of criminal law. Therefore, the handling of the specific issue is criminal courts and, according to the explicit text of the law, only compensation for the costs of disability and providing burial is formal. However, in the common law legal system, compensation for moral damages of the steward and relatives is also formal.

Conclusion: In order to intensify the deterrence against negligence and carelessness, there is a strong need for compensation for material damages that occur following personal injuries to be doubly compensable. In imitation of common law legal systems, it is necessary for the handling of the issue to be subject to civil proceedings in terms of procedures. In this case, while multiplying the types of damages, judicial justice can be applied in a better way. From an administrative perspective, it is also necessary to change the scope of insurance liability and ensure that its coverage creates a form of deterrence against insolvency.

Keywords: Physical Integrity; Criminal Court; Civil Liability in Physical Health; Inherent Competence

Corresponding Author: Shahram Mohammadi; **Email:** sh.mohammadi@uok.ac.ir

Received: April 10, 2026; **Accepted:** July 25, 2026; **Published Online:** October 14, 2026

Please cite this article as:

Korani R, Hatami M, Mohammadi SH. The Jurisdiction of the Criminal Court in Handling Legal Matters Related to Physical Health. Medical Law Journal. 2026; 20: e54.

Copyright© 2026, the Authors. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format for any purpose, even commercially) and Adapt (remix, transform and build upon the material for any purpose, even commercially) under CC BY 4.0 terms.

دسترسی آزاد

مجله حقوق پزشکی

دوره بیستم، ۱۴۰۵

Journal Homepage: http://ijmedicallaw.ir

صلاحیت دادگاه کیفری در رسیدگی به امور حقوقی مرتبط با سلامت جسمانی

روح‌الله کرانی[۱]، شهرام محمدی[۲*]، مهدی حاتمی[۲]

۱. گروه حقوق، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: صلاحیت دادگاه‌های کیفری در رسیدگی به امور کیفری مطلق نبوده و گاه به مسائل حقوقی ورود می‌نمایند. یکی از مهم‌ترین مصادیق این دخالت‌ها، رسیدگی به دعوای خسارات ناشی از وقوع جرم بوده که در خصوص مسائل جانی با مبحث دیه دارای پیوند می‌باشد. با این حال تعارض برخی از مواد حقوقی و همچنین رویه‌های مختلف موجب سردرگمی قضات این دادگاه‌ها در تعیین میزان خسارات مذکور گردیده که در این پژوهش هدف آن است که این مهم مورد مطالعه قرار گیرد.

روش: این پژوهش به روش تحلیلی ـ توصیفی انجام شده و هدف، بررسی صلاحیت دادگاه کیفری در رسیدگی به دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات جانی در جمهوری اسلامی ایران و کامن‌لای کانادا می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در تمامی مراحل نگارش، مطابق با اصول تحقیق عمل گردید.

یافته‌ها: در خصوص خسارات وارده به جان و جایگاه آن در شاخه‌های علم حقوق، بحث فراوان است و در کشور ما برخلاف نظام‌های کامن‌لایی، این مهم در ادبیات حقوق کیفری جای دارد. بنابراین رسیدگی به موضوع خاص دادگاه‌های کیفری بوده و به موجب نص صریح قانون، تنها جبران هزینه‌های ازکارافتادگی و تأمین کفن و دفن دارای رسمیت می‌باشد، اما در نظام حقوقی کامن‌لا، جبران خسارات معنوی مباشر و بستگان نیز دارای رسمیت می‌باشد.

نتیجه‌گیری: برای تشدید بازدارندگی از بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی، نیاز اکید وجود داشته که جبران خسارات مادی که متعاقب خسارات جانی ایجاد می‌گردد، به صورت مضاعف قابل جبران باشد. به تقلید از نظام‌های حقوقی کامن‌لایی، ضرورت دارد که رسیدگی به موضوع از حیث تشریفات تابع دادرسی مدنی باشد. در این صورت می‌توان ضمن تضاعف اقسام خسارات، عدالت قضایی را به نحوی بهتر اعمال نمود. از حیث اجرایی نیز نیاز است که دامنه مسئولیت بیمه‌ها تغییر کرده و پوشش آن نوعی بازدارندگی از اعسار ایجاد نماید.

واژگان کلیدی: تمامیت جسمانی؛ دادگاه کیفری؛ مسئولیت مدنی در سلامت جسمانی؛ صلاحیت ذاتی

نویسنده مسئول: شهرام محمدی؛ **پست الکترونیک:** sh.mohammadi@uok.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۲۱؛ **تاریخ‌پذیرش:** ۱۴۰۵/۰۵/۰۳؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۵/۰۷/۲۲

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Korani R, Hatami M, Mohammadi SH. The Jurisdiction of the Criminal Court in Handling Legal Matters Related to Physical Health. Medical Law Journal. 2026; 20: e54.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

مقدمه

هیچ کس مجاز به ایراد خسارت مالی و جانی به دیگری نمی‌باشد و این اصل مهم مبنای تأسیس گسترده جبران خسارت مادی و معنوی در ادبیات حقوقی بوده است. خسارت مادی می‌بایست به صورت عینی جبران شده و خسارت جانی به صورت غیر عینی. فرض شود که فردی به جان دیگری آسیب وارد می‌نماید. حسب ادبیات حقوق کیفری، از جهت ورود این آسیب، دیه یا ارش ثابت بوده و مرتکب ملزم به پرداخت آن است. فلسفه وجود دیه به این صورت بوده که اولاً می‌بایست عاملی بازدارنده از قصور منجر به ورود زیان به دیگری باشد؛ ثانیاً جبران بخشی از خسارت وارده به جانی یا خانواده وی خواهد بود، لیکن ازاین‌جهت که جملگی خسارت جانی ذاتاً قابل جبران نمی‌باشند، نمی‌توان مسئولیتی بیش از آنچه بیان شد، بر دوش مرتکب قرار داد، اما از قبال هر جرم، ممکن است خسارت مادی ایجاد شود که قانون‌گذار به سبب یکپارچکی رسیدگی به مسائل حقوقی، به موجب ماده ۱۴ آیین دادرسی کیفری رسیدگی به آن را بر عهده دادگاه کیفری رسیدگی‌کننده به اصل موضوع جرم قرار داده است. در واقع به سبب ایراد خسارت جانی، نوعی از خسارات مادی و معنوی بر بزه‌دیده واردشده که مطابق با اصول قواعد مسئولیت مدنی، جبران عین این خسارات بر عهده مرتکب خواهد بود.

قضیه از آنجا پیچیده‌تر شده که جبران خسارت مادی ممکن است فراتر از دیه مقرر شده باشد که برخی از عقلا را به تأمل در این خصوص واداشته و محل مناقشه حقوقدانان کیفری و مدنی شده است. به هر حال در وضعیتی که در قانون نوشته کشور ما محدودیت خاصی برای یک مسأله مقرر نشده است، نمی‌توان خودسرانه عملی را انجام داد. در وضعیت کنونی قانون موضوعه دارای سکوت بوده و آرای وحدت رویه گاه متناقض در این خصوص صادر گردیده است، لذا محقق بر آن شد که این مسأله را از دیدگاه حقوقی مورد مطالعه قرار دهد.

کاتوزیان (۱۳۶۸ ش.) در کتاب «الزام‌های خارج از قرارداد» پرداخت خسارت مادی به تبعیت از دیه را غیر نافذ دانست (۱).

فیض (۱۳۷۷ ش.) در کتاب «دیه» بیان داشت که ماهیت دیه از خسارت مادی مرتبط بدان مستقل است (۲).

صالحی (۱۳۸۸ ش.) کتاب باعنوان «دیه یا مجازات مالی» مسأله دیه را جدا از حقوق دانسته و از این رو چنین استنباط نموده که در زمان فوت، دیه‌ای وجود نداشته و پس از طی مراحل حقوقی این نوع دیه پرداخت گردیده، لذا نمی‌توان عنوان محدوده خسارت مادی را به آن‌ها اطلاق نمود (۳).

قلوزی (۱۳۹۲ ش.) دریافت مازاد دیه را خلاف اخلاق دانست (۴).

میرمدرس (۱۳۹۲ ش.) بیان داشت که دیه در فقه اسلامی ماهیت خسارت جانی داشته که از لحاظ مسائل مدنی و کیفری مورد توجه است. بنابراین نمی‌توان به آن نام دیگری نهاد و این خسارت به آسیب‌دیدگان روحی پرداخت خواهد شد (۵).

امی (۱۳۹۶ ش.) بیان نمود که نهادهای خسارات جانی و مادی، دارای مفهومی مستقل از یکدیگر می‌باشند (۶).

کاملی (۱۳۹۷ ش.) بیان نمودند که دیه و خسارت نباید به یکدیگر متصل باشند (۷).

پرواضح است که محققان به ماهیت موضوع توجه داشته‌اند، اما به مسائل شکلی دادرسی و قیاس با نظام‌های حقوقی مطرح در جهان، توجهی نداشته که در این پژوهش ضمن تکمیل مبانی تئوری مباحث ماهوی، امورات شکلی دادرسی نیز بررسی و با عملکرد مشابه در نظام حقوقی کانادا نیز قیاس صورت گرفته است.

با توجه به کثرت این پرونده‌ها و صدور احکام متفاوت و همچنین نقض احکام بدوی مرتبط، ضرورت اکید وجود داشته که در یک تحقیق حقوقی، ضمن قیاس با عملکرد نظام‌های حقوقی مطرح، امورات شکلی دادرسی این حوزه مورد مطالعه قرار گیرد.

ابتدا مبانی علمی خسارات جانی مطالعه شده، سپس جریان رسیدگی در ایران، سپس در کانادا بررسی گردیده و در نهایت بایسته‌های حقوقی این مورد بحث گردیده و زمینه برای نتیجه‌گیری نهایی در انتهای تحقیق فراهم شده است.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

چنین فرض شده که عدم امکان دریافت خسارت مضاعف متعاقب خسارات جانی، قاعده‌ای مطلق نبوده و این دیدگاه به واسطه توجه دادگاه کیفری به منابع حقوق کیفری می‌باشد. در عین حال نیاز است که در خصوص ادبیات حقوقی خسارت جانی تجدید نظر صورت گیرد و سپردن مسأله به دادگاه حقوقی متعاقب رویه‌سازی در خصوص خسارات معنوی، می‌توان امکان تجمیع خسارات را فراهم دارد. از حیث اجرایی نیز تقویت نهاد بیمه نیز عامل پیشگیرانه از اعسار محسوب شده که حسب الگوبرداری از رویه قضایی نظام حقوقی کانادا برداشت شده است. بنابراین با هدف رفع ابهامات قانونی، نیاز است که اصلاحاتی در بعد شکلی و ماهوی صورت پذیرد و بدین صورت مانع از بی‌عدالتی در زمینه جبران خسارت گردید.

۱. تعرض به جان: هرگونه تعرض به جان، خسارات جانی نام دارد. این خسارات ممکن است به درد جزئی منتهی شده و یا موجب مرگ خسارت دیده شود. اصل بر این است که هیچ کس حق ایجاد خسارت مادی و جانی به دیگری را نخواهد داشت. در صورت عمدی‌بودن ایجاد خسارت، بحث مجازات مجنی مطرح است، اما در صورت غیر عمدی‌بودن، تنها لزوم جبران خسارت محرز خواهد بود.

۱-۱. جایگاه حقوقی: وجه اشتراک خسارات جانی که به غیر عمد ایجاد شده، با خسارت مادی، در عدم تکامل عناصر شاکله جرم می‌باشد. وجه افتراق این دو مورد، در عدم جبران عینی خسارات جانی می‌باشد. بنابراین در خصوص خسارات جانی دو بحث مطرح است:

در نظر نخست، خسارات جانی که به غیر عمد ایجاد شده، فاقد عنصر مجرمانه بوده و حتی به فرض مجازات مجنی، بحث جبران خسارت جزئی از مسائل مدنی و در حوزه صلاحیت دادگاه مدنی می‌باشد، این نظر در نظام حقوقی کامن‌لا پذیرفته شده است (۸)؛ در نظریه ثانوی، خسارات جانی حتی در صورتی که به صورت غیر عمد ایجاد شده باشد، عملی مجرمانه از نوع خطای محض تلقی شده و به سبب شأن انسان و عدم امکان جبران عینی، نمی‌توان بابت آن خسارت پرداخت نمود، لذا دیه با هدف تسکین درد و آلام منجی‌علیه لحاظ گردیده و رسیدگی به این مورد نیز در حیطه اختیارات دادگاه کیفری خواهد بود (۹). این نظریه در ادبیات حقوق نوشته کشور ما پذیرفته شده و منشأ آن عدم تفکیک شعب کیفری و مدنی در دادگاه‌های فرانسه و به تبع آن الگوبرداری اولیه تشریفات دادرسی از این نظام حقوقی می‌باشد (۱۰).

۲-۱. خسارات مادی متعاقب: در خصوص مسئولیت مدنی متعاقب مسئولیت کیفری ایراد خسارات جانی، چند بحث مطرح است.

قانون‌گذار مدنی ضمن وضع مواد ۲، ۵ و ۶ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به برخی از مواردی اشاره داشته که خسارات مادی و معنوی به تبعیت از خسارات جانی ایجاد شده و مستوجب تضاعف مسئولیت پرداخت خسارت و دیه می‌گردد. قانون‌گذار کیفری پس از کش و قوس‌های فراوان، ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی را تصویب نمود (۱۱) که به موجب آن دیه ضامن مسئولیت مدنی است.

در حال حاضر در خصوص خسارات مضاعف موضوع مورد بحث دو چالش متصور است:

چالش نخست اینکه مواد قانونی مذکور دارای تعارض بوده و در این خصوص رویه‌سازی صحیحی صورت نگرفته و توجه دادرس به هر یک از این جریانات موجب نادیده‌گرفتن بخش دیگر خواهد شد؛

چالش ثانوی اینکه خسارت معنوی تنها به صورت پراکنده در چند جای مورد توجه قرار گرفته و حداکثر جبران این خسارت به صورت عذرخواهی و اعاده حیثیت پیش‌بینی شده و جبران مالی خسارات معنوی هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری نیز به صراحت ذکر شده در مواردی که دیه و تعزیر منصوص شرعی وجود دارد، امکان مطالبه خسارت معنوی وجود ندارد. بنابراین این مهم خاص مواردی است که بدان ارش تعلق می‌گیرد.

برخی از حقوقدانان همچون دکتر گلدوزیان ضمن استناد به نظر شورای نگهبان و همچنین سیر تحولی شکل‌گیری قانون مجازات اسلامی کنونی، چنین معتقدند که امکان مطالبه خسارت بیش از میزان دیه وجود ندارد.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

سرانجام متن نهایی قانون مورد گفتگو در ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ به تصویب کمیسیون پیش‌گفته و در تاریخ ۱۳۹۲/۰۲/۱۱ به تأیید شورای نگهبان رسید. حال، جای این پرسش است که آیا با توجه به قانون جدید خسارت مازاد بر دیه قابل جبران است یا خیر. در پاسخ به این پرسش می‌توان به ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی متوسل شد که بر پایه آن، دیه احکام و آثار مسئولیت مدنی یا ضمان را دارد. بنابراین فرض بر این است که ماهیت دیه مسئولیت مدنی و کارکرد آن جبران خسارت وارد شده است. بنابراین با گرفتن دیه، بنا بر فرض همه خسارات فرد جبران می‌شود، پس مطالبه خسارتی مازاد بر دیه، برخلاف اصل جبران کامل خسارات است، زیرا منجر به جبران مضاعف خسارت خواهد شد و بدیهی است که جبران خسارت نباید راهی برای داراشدن ناعادلانه شخص زیان‌دیده باشد.

به این دلیل می‌توان حذف ماده ۴۵۶ همین قانون را نیز افزود؛ در واقع، حذف ماده‌ای که مطالبه خسارت مازاد بر دیه را مجاز می‌دانست؛ دلیلی است بر عدم امکان مطالبه این خسارت، اما این تفسیر همه تلاش‌های حقوقدانان در سه دهه گذشته برای توجیه امکان مطالبه خسارت مازاد بر دیه را بر باد خواهد داد، مضافاً بر اینکه، در برخی از موارد به وضوح مشخص است که مبلغ پرداختی از طریق، دیه خسارات زیان‌دیده را به طور کامل جبران نکرده است و اعتقاد به عدم امکان مطالبه خسارات مازاد بر دیه به بی‌عدالتی‌ای منجر خواهد شد که هیچ عقل سلیمی پذیرای آن نخواهد بود، فلذا باید راه دشوارتری را در پیش گرفت.

موافقان ضمن استناد به اصل جبران خسارت مادی که در قوانین مدنی ذکر شده و همچنین تعریف دیه که تنها مالی در قبال جنایت دانسته شده و نه وسیله درمان، چنین تفسیر می‌دارند که امکان مطالبه خسارت بیش از میزان دیه امکان‌پذیر است. نظریه اقوی بیان می‌دارد که در این راه از حذف ماده ۴۵۶ نباید هراسید؛ این حذف نه‌تنها دلیلی برای ممنوعیت مطالبه خسارت مازاد بر دیه نیست، بلکه برعکس باید از آن در راستای امکان مطالبه خسارت مازاد بر دیه بهره برد. در واقع، اگرچه در یک تفکر دقیق حقوقی تلقی دیه به عنوان مسئولیت مدنی، با مطالبه خسارت افزون بر دیه ناسازگار است، اما قانون‌گذار در متن مصوب خویش در تاریخ ۱۳۸۸/۰۹/۲۵، این دو را با یکدیگر ناسازگار ندید: چنانکه هم ماهیت مسئولیت مدنی را برایش پذیرفت و هم مطالبه خسارت افزون بر دیه را مجاز دانست.

رویکرد نظام حقوقی با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ روشن‌تر شد. بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴، «منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف کند. همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن‌الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی‌شود.» بدین ترتیب، قانون‌گذار در یک قانون شکلی تلاش کرد تا درباره موضوعی ماهوی اظهار نظر کند و قلمرو زبان‌های قابل مطالبه را محدود کند: بر این اساس، نمی‌توان منافع ممکن‌الحصول و زبان معنوی را با دیه جمع کرد، بلکه باید به دریافت دیه بسنده کرد. با توجه به صراحت این ماده مسیر نظام حقوقی برای جبران کامل زبان‌ها دشوارتر خواهد شد. با وجود این و برای عادلانه‌ترکردن این حکم، باید از مفهوم مخالف آن بهره برد. در واقع، با توجه به سکوت قانون درباره زبان‌های مادی، ممنوعیت جمع دیه با سایر خسارت‌ها تنها ناظر به موارد منصوص (منافع ممکن‌الحصول و زبان معنوی) است و زبان‌های مادی با دیه قابل جمع خواهند بود. بر اساس این تفسیر و با توجه به اینکه هزینه‌های درمان مصداقی از زبان‌های مادی هستند می‌توان آن‌ها را با دیه، مطالبه کرد.

در هیچ یک از دو نظریه به تفکیک خسارات مادی و جانی اشاره نداشته‌اند. در واقع هر دو گروه موافقان و مخالفان معتقدند که اگر میزان خسارت مادی کمتر از دیه باشد، امکان مطالبه جداگانه خسارت مادی وجود ندارد و این مهم به صراحت در ماده ۴۵۲ «ق.م.ا» ذکر شده است، اما اختلاف در وضعیتی است که خسارت مادی بیش از میزان دیه است. با این حال در جمع‌بندی کلی می‌توان نظر موافقان را اقوی دانست.

۲. صلاحیت ذاتی رسیدگی: فقدان تفکیکی صلاحیت ذاتی شعب دادگاه تنها در نظام قضایی فرانسه مشهود بوده است. در

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

نظام حقوق نوشته ایران و نظام‌های حقوقی کامن‌لا، شعب با صلاحیت ذاتی و در چند رده، به پرونده‌ها رسیدگی می‌نمایند. بنابراین بحث تشریفات دادرسی در امور کیفری و مدنی، به تفکیک مورد بحث است. در کشور ما اختیارات دخالت شعبه دادگاه کیفری در امور مدنی، بسیار محدود بوده و ذیل این قسمت در این خصوص بیشتر بحث شده است.

۱-۲. روند رسیدگی: ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، یکی از برجسته‌ترین و اثرگذارترین مواد حقوقی در جریان تشریفات دادرسی کیفری می‌باشد. بنابراین می‌توان چنین بیان داشت که اگر جرم به هر نحوی انجام شود، رسیدگی بدان حسب مورد از دادسرا و دادگاه کیفری آغاز شده و موردی از دخالت دادگاه مدنی در این مورد مشهود نیست، اما اگر در جریان وقوع جرم، خسارات مادی یا معنوی نیز ایجاد شده باشد، ضمن احترام به صلاحیت دادگاه مدنی که از اختیار رسیدگی مستقل نیز برخوردار است؛ می‌توان جهت رسیدگی یکپارچه که قطعاً بر کیفیت دادرسی مؤثر است؛ مسأله مدنی مذکور را در دادگاه کیفری مطرح نمود تا به صورت توأمان به موضوعات مطروحه در پرونده کیفری رسیدگی گردد.

این مسأله به صورت غیر رسمی مطرح است که قضات دادگاه‌های کیفری عمدتاً نسبت به منابع حقوق کیفری توجه داشته و ممکن است نسبت به موضوعات مدنی غفلت نمایند (۱۲). علت امر واضح است حیطه شغلی توجهات آن‌ها را از مسائل مدنی دور ساخته و دیدگاه دادرس عمدتاً دارای ماهیت کیفری می‌باشد.

بنابراین چنین مفروض است که قضات شعب مدنی، بیشتر به سمت موضوعات مدنی متمایل بوده و می‌بایست نکات فراموش‌شده در امور کیفری بدان‌ها گوشزد گردد.

۲-۲. جبران خسارات مادی: به چالش‌های تقابل مسئولیت‌های مدنی و کیفری اشاره شد. در این خصوص احکام متناقضی صادر شده است. بحث مفصل در این خصوص خارج از حوصله پژوهش کنونی می‌باشد؛ تنها به این مهم اشاره شود که در جمع‌بندی موارد متناقض مطروحه؛ بدون لحاظ خسارات معنوی، خسارات مادی ناشی از خسارات جانی به صورت مختصر، هزینه متوفی به طور کامل و هزینه ازکارافتادگی حسب نظر تعدیل‌یافته قابل مطالبه بوده و مراجع صدور این احکام عمدتاً دادگاه‌های مدنی بوده که به صورت مستقل به موضوع رسیدگی نموده‌اند (۱۳). این مهم موجب تقویت این ایده شده که قضاتی که در مدت‌زمان مدید در شعبی خاص خدمت می‌نمایند، توجهات علمی خود را به حیطه کاری خود معطوف کرده و ممکن است مباحث تئوری در بخش‌های مختلف علم حقوق را به فراموشی بسپارند.

۳. تفکیک خسارات: نظام قضایی کانادا تا حد زیادی از نظام قضایی انگلستان الگوبرداری شده، ولیکن در جزئیات آن تفاوت‌هایی مشهود است. شعب دادگاه‌های این کشور شامل کیفری، مدنی و عمومی می‌باشد (۱۴). در خصوص موضوع مورد بحث، عملکرد دادگاه کانادا به شرح ذیل تشریح شده است.

۱-۳. محاسبه خسارات مادی: در کامن‌لای کانادا، خسارت جانی جزئی از مسئولیت مدنی محسوب می‌گردد (۱۵). بنابراین دادگاه کیفری حسب مورد تنها نسبت به مجازات مجنی اقدام خواهد نمود و رسیدگی به جوانب پرداخت اقسام خسارت در صلاحیت دادگاه‌های مدنی در درجات چهارگانه قرار دارد (۱۶).

در عرف قضایی کانادا، اقسام خسارات مادی شامل هزینه درمان، ازکارافتادگی، خسارات روحی به مباشر و بستگان می‌باشد که این مورد از نظام قضایی انگلستان الگوبرداری شده است (۱۷). بنابراین می‌توان بیان داشت که طیف گسترده خسارات مادی در کامن‌لای کانادا متصور است و جدا از مباحث مجرمانه، این موارد به طور کامل در ادبیات حقوق مدنی قابل بحث است.

۲-۳. اعمال مجازات بر خاطی: اگر جنایت/ خسارات وارده به صورت عمدی ایجاد شده باشد، دادگاه کیفری ملزم به اعمال مجازات بر مجرم خواهد بود. در موارد غیر عمدی، به لحاظ بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی، مجازاتی توسط شعب کیفری لحاظ می‌گردد (۱۸). این مجازات‌ها جنبه بازدارندگی از بی‌احتیاطی ایجاد می‌نماید. رسیدگی به موارد مذکور ضمن هماهنگی

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

کامل شعب مدنی و کیفری ممکن بوده و زمان صدور رأی نیز می‌تواند به رأی دیگری منوط گردد (۱۹). لزوم اینچنین هماهنگی بدون تشریفاتی مانند اناطه، موجب تساهل در دادرسی به نحوی شده که در جریان کشف حقیقت حائز اهمیت است. در عین حال گسترده دامنه جرم‌انگاری بی‌مبالاتی قابل توجه است.

۳-۳. رویه رسیدگی: مسائل شکلی دادرسی در کانادا به صورت عرفی بوده و در مواردی حسب اختیارات شورای عالی قضایی این کشور، موادی مکتوب مقرر شده است (۲۰)، در صورتی که مسائل مدنی و کیفری با یکدیگر پیوند داشته باشند و تحقیقات در دادسرا در حال انجام باشد، دادگاه مدنی رسیدگی خود را پس از پایان تحقیقات در دادسرا آغاز خواهد نمود تا به ادله مکشوفه دسترسی یابد (۲۱). هر یک از دادگاه‌های کیفری و مدنی نیز پیش از قطعیت حکم، می‌بایست یکدیگر را مطلع نمایند (۲۲). ورود مستقل به تحقیقات توسط قاضی شعب مدنی نیز دارای رسمیت می‌باشند (۲۳).

با این اوصاف اختیارات دادگاه مدنی در مواردی محدود و در مواردی دیگر گسترده می‌باشد. از حیث ورود مستقل به موضوع و رسیدگی به طیف گسترده‌تر مسئولیت مدنی، اختیارات دادگاه مدنی قابل تحسین است، اما به لحاظ هماهنگی با شعب کیفری دادسرا و دادگاه، این محدودیت موجب اطاله دادرسی و کاهش اختیارات دادرسی می‌گردد.

روش

روش تحقیق به صورت تحلیلی ـ توصیفی می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

در حال حاضر در کشور ما دادگاه کیفری از صلاحیت ورود به خسارت مضاعف از جرم برخوردار بوده، ولیکن این صلاحیت انحصاری نمی‌باشد. تناقض برخی از مواد در منابع حقوق مدنی و کیفری موجب شده که قضات دادگاه‌ها به سمت منابع حقوقی نزدیک به صلاحیت دادگاه خود متمایل باشند. با این اوصاف وصول خسارات مضاعف خسارات جانی تنها در خصوص ازکارافتادگی، هزینه کفن و دفن و به صورت مختصر در مورد هزینه‌های درمانی ممکن بوده که در این خصوص رویه‌سازی نشده است.

این در حالی است که در نظام حقوقی کانادا، ضمن ماهیت مدنی موضوع مذکور، شعب کیفری و حقوقی در تعامل با یکدیگر قرار داشته و خسارات معنوی مباشر و بستگان را نیز جزئی از حیطه جبران خسارت می‌دانند.

بحث

۱. ضرورت های حقوقی جبران خسارات مادی: به مسائل خاص جبران خسارت مضاعف در نظام حقوقی ایران و کامن‌لای کانادا پرداخته شد، ضمن اینکه به عملکرد هر یک در این خصوص انتقادهایی وارد است، ضرورت‌های حقوقی برای اصلاح رویه قضایی متصور بوده که ذیلاً در این خصوص بحث گردیده است.

۱-۱. ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی: در کشور ما اخذ خسارت ناشی از مسئولیت مدنی مضاعف دارای چالش‌هایی بوده که بدان اشاره شد. در این مسیر احکام متناقض فراوانی صادرشده و حتی رویه‌سازی نیز در این مورد صورت نگرفته است. در واقع در وجود تناقضات حقوقی و همچنین عدم ورود نهادهای دارای صلاحیت صدور احکام وحدت رویه، نمی‌توان حسب یک رأی صادره و رأی ناقص آن رویه سازی نمود. آنچه پرواضح است قضات دادگاه‌های کیفری عمدتاً ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی را برجسته دیده و قضات دادگاه‌های کیفری مواد ۲، ۵ و ۶ قانون مسئولیت مدنی. در نهایت وضعیت کنونی چنین است:

خسارات معنوی از نوع جبران مالی، رویه‌سازی نشده و قابلیت مطالبه به عنوان خسارت مضاعف را نداشته و تاکنون رأیی با این محتوا صادر نشده است. این در حالی است که در کانادا، خسارات معنوی توسط پزشکی قانونی تعیین و دادگاه مدنی حکم به جبران آن داده و در عین حال به صورت مضاعف

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

امکان مطالبه آن وجود دارد (۲۴). ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مانعی مهم برای مطالبه مضاعف این نوع خسارت محسوب می‌گردد.

خسارات ناشی از هزینه‌های درمانی، اگر به صورت جزئی و متعارف باشد، امکان جبران داشته و این مهم در چندین پرونده حقوقی مشهود می‌باشد. اگر به وضعیت خاص کشور نگاهی انداخته شود، جبران خسارت‌های سنگین مادی مضاعف بر خسارت جانی عملاً از توان شهروندان خارج است. این در حالی است که در کامن‌لای کانادا، به تقلید از کامن‌لای انگلستان، حتی خسارت روحی به بستگان نیز پیش‌بینی شده است. آرای صادرشده در کشور که لزوم جبران این خسارات را اعلام داشته‌اند، از شعب مدنی صادر شده است.

خسارات ناشی از ازکارافتادگی به سبب صراحت قانونی در قانون مسئولیت مدنی، دارای رسمیت بالاتری بوده و حتی در آرای صادره از شعب کیفری نیز مشهود بوده است. علت این امر را می‌توان صراحت ماده پنجم قانون مسئولیت مدنی بوده که امکان برخورد سلیقه‌ای با موضوع را غیر ممکن می‌داند.

هزینه‌های کفن و دفن نیز به مانند آنچه بیان شد و به موجب صراحت ماده ۶ همین قانون، قابل مطالبه می‌باشد. این مهم در کامن‌لای کانادا فاقد جایگاه می‌باشد (۲۵).

در نظام حقوقی کانادا خسارات ناشی از هزینه‌های درمان و توان‌بخشی، خسارات روحی مباشر و بستگان و همچنین خسارات ازکارافتادگی در حکم صادره محرز می‌گردد.

۲-۴. ریسک پرداخت خسارات: نقش بیمه در مسائل قضایی به دیدگاه پیشگیرانه در مسائل مدنی وابسته می‌باشد، هرچند که تئوری پیشگیری عمدتاً در خصوص وقوع جرم مورد توجه است، اما حقیقت است که در مسائل مدنی و با توجه به سیاست کاهش حجم پرونده‌های قضایی، نیاز است که نسبت به بروز اختلافات مدنی اقدامات پیشگیرانه نیز لحاظ گردد. در کشور ما قانون‌گذار بیمه اجباری را در خصوص خودرو و چند مورد دیگر اجباری نمود تا از ادعای اعسار در آینده ممانعت نماید، البته انتقاد وارده به این سیاست کاهش نگرانی از بروز حادثه می‌باشد (۲۶).

در کامن‌لای کانادا، بیمه‌ها پوشش‌دهنده اقسام خسارات مورد انتظار بوده و اجباری شد آن به جز در خودروهای شخصی در خصوص طیف گسترده اعمال خطرزا نظیر فعالیت ساختمان‌سازی، کارخانه‌داری، فعالیت جرثقیل و چند مورد دیگر مشهود است (۲۷). با این حال ادعای اعسار از پرداخت خسارات مضاعف به صورت موردی حادث شده که با حمایت‌های دولتی نظیر پرداخت وام و کار اجباری و دیگر اقدامات حمایتی قابل وصول خواهد بود.

در کشور ما حتی به فرض رسمیت جبران خسارت مضاعف، اعسار احتمالی مانع از وصول آن خواهد بود. همچنین تعهدات بیمه‌ها نیز به جبران خسارات جانی محدود می‌باشد. در این خصوص اقدامات اجرایی نیاز می‌باشد.

۳-۱. جایگاه حقوقی خسارات جانی: چنانچه بیان شد، یکی از مهم‌ترین وجوه افتراق بحث خسارات جانی در دو نظام حقوقی مورد مطالعه، جایگاه حقوقی آن می‌باشد. به نظر می‌رسد که محسوب‌شدن خسارات جانی در حیطه مسئولیت مدنی، امکان وصول مطالبات مضاعف را تسهیل می‌نماید، مسأله‌ای که حقوقدانان غربی بدان تأکید داشته‌اند. در کشورهای با نظام حقوقی کامن‌لا، حتی شیوه همکاری شعب مدنی دادگاه‌ها با سازمان پزشکی قانونی و دیگر نهادهای مرتبط با امورات کیفری پیش‌بینی شده است. در کشور ما این مهم مستلزم اصلاحات تقنینی کلی در ابعاد تشریفات دادرسی و مسائل ماهوی مرتبط بدان است. با توجه به تعریفی که قانون‌گذار از دیه بیان داشته، امکان ورود آن به مباحث مدنی وجود ندارد. بنابراین اصلاحات ماهوی نیاز است و این مسأله مستقل از مسائل شکلی می‌باشد، چراکه حتی به فرض مدنی محسوب‌شدن موضوع، ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری به قوت خود باقی خواهد ماند. بنابراین اصلاحات در دو بعد شکلی و ماهوی نیاز است و اینکه می‌بایست بابت موانع فقهی این مهم اقداماتی جدی انجام داد.

۴-۱. دخالت دادگاه های کیفری به امور حقوقی: با توجه به نتایج مطالعه صورت‌گرفته، می‌توان بیان داشت که ورود دادگاه کیفری به موضوع مورد بحث، موجب تسریع دادرسی و ارتقای

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

کیفیت آن می‌گردد، اما ممکن است از جنبه‌های مدنی موضوع غفلت‌هایی صورت گیرد. در این خصوص همکاری خاص میان شعب مذکور در کانادا قابل توجه است. می‌توان با هدف حفظ مزیت مذکور در مورد ورود وصف کیفری به موضوع، سازوکار تعامل دو شعبه مذکور را پیش‌بینی نمود.

نتیجه‌گیری

نتیجه نهایی این پژوهش اینکه اگر هزینه‌های درمان و توان‌بخشی بزه‌دیده در جرائم غیر عمدی، بیش از میزان دیه یا ارش باشد و مقدار زیاده با اصل دیه تناسب داشته و مقداری معقول باشد، به موجب تفاسیر فقهی و همچنین اصول مسئولیت مدنی، قابلیت مطالبه از مسبب این وضعیت را دارا می‌باشد و غیر از آن، نمی‌توان خسارت مضاعف را لحاظ داشت. در صورتی که خسارت به واسطه ارتکاب جرائم عمدی باشد، امکان مطالبه تمامی خسارات از بزهکار وجود داشته تا بدین‌صورت عاملی بازدارنده از وقوع جرم تلقی گردد.

فقدان رویه مشخص خسارات معنوی در کشور ما نیز مزید بر علت ابهام در این حوزه محسوب می‌گردد.

در شرایط کنونی، شخصی که به لحاظ جسمی خسارت دیده، به جز هزینه ازکارافتادگی و یا هزینه کفن و دفن (در صورت فوت) نمی‌تواند به مبلغ خسارت بیش از دیه مقدر امیدوار باشد.

پیشنهادات: مبتنی بر نتایج حاصله، پیشنهاد می‌گردد که:

ـ قانون‌گذار در خصوص صراحت خسارات معنوی و سازوکار تعیین آن، اقدامات مقتضی را انجام دهد.

ـ قانون‌گذار ضمن اصلاح ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی، به مواد ۲، ۵ و ۶ قانون مسئولین مدنی اعتبار اجرایی بالا بخشد.

ـ قانون‌گذار برای رسیدگی به دادرسی جبران خسارت، به شعب مدنی دادگاه‌ها، صلاحیت انحصاری اعطا نماید.

ـ قانون‌گذار بیمه اجباری خسارت را به جنبه‌های دیگر خطرزا تعمیم داده و ضمن اصلاح قوانین بیمه، دامنه مسئولیت آن‌ها را گسترده نماید.

مشارکت نویسندگان

روح‌الله کرانی: ارائه طرح و نگارش اولیه مقاله.

شهرام محمدی: ارسال مقاله و پیگیری اصلاح و نظارت در تمامی امور.

مهدی حاتمی: اصلاح اولیه و ثانویه و تکمیل نگارش مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

در نگارش مقاله، از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

References

1. Katouzian N. General rules of contracts. Tehran: Publishing Company in Collaboration with Bahman Barna; 1989. p.151-155. [Persian]

2. Faiz A. Diyeh. Tehran: Taba and Nasar Publications; 1998. p.55-60. [Persian]

3. Salehi F. Diyeh or Financial Punishment. Tehran: Mizan Publications; 2009. p.44-45. [Persian]

4. Qaluzi S. Examining the Effects of Death of the Accused in Iranian and Islamic Criminal Law. Master's Thesis. Qom: University of Qom; 2013. p.74-75. [Persian]

5. Mirmadres S. The concept and nature of diya from the perspective of Islamic jurisprudence and law. Fiqh. 2012; 20(77): 24-52. [Persian]

6. Amy A. The nature of the institution of money from the perspective of Islamic jurisprudence and criminal law of Iran. Medical Law Journal. 2016; 11(43): 47-68. [Persian]

7. Kameli A. The inclusion of the title of matric on the death of the deceased. Master's Thesis. Tehran: Allameh Tabatabai University; 2017. p.74-78. [Persian]

8. Aldoseri A, Al-Khalifa K, Hamouda A. Re-thinking data strategy and integration for artificial intelligence: concepts, opportunities, and challenges. Applied Sciences. 2023; 13(1): 70-82.

9. Shiravi A. International Trade Law. Tehran: Samt Publications; 2017. p.47-50. [Persian]

10. Shawardi M, Shirazi Shayesteh M, Jamali A. Foreign Investment in Tehran. Tehran: Abgin Rayan Publications; 2010. p.74-75. [Persian]

11. Kianpour S, Rezaei H. Macroeconomics. Hamedan: Sareeb Hegmataneh Publications. 2018. p.25-30. [Persian]

12. Ansari Bardeh R, Ghaffari Saravi M. Dynamics of the Governance Model in the Islamic Republic of Iran; Description and Policy Recommendations Based on a Reading of Ayatollah Khamenei's Views. Quarterly Journal of Studies on the Iranian Islamic Progress Model. 2022; 31(4): 59-60. [Persian]

13. Shiravi A. Economic Law. Tehran: Samt Publications; 2021. p.74-75. [Persian]

14. Gomes B, Ashley E. Artificial intelligence in molecular medicine. New England Journal of Medicine. 2023; 388(26): 2456-2465.

15. Fang B, Yu J, Chen Z, Osman A, Farghali M. Artificial intelligence for waste management in smart cities: A review. Environmental Chemistry Letters. 2023; 21(4): 1959-1989.

16. Haug C, Drazen J. Artificial intelligence and machine learning in clinical medicine, 2023. New England Journal of Medicine. 2023; 388(13): 1201-1208.

17. Khaleel M, Ahmed A, Alsharif A. Artificial Intelligence in Engineering. Brilliance: Research of Artificial Intelligence. 2023; 3(1): 32-42.

18. Levshun D, Kotenko I. A survey on artificial intelligence techniques for security event correlation: Models, challenges, and opportunities. Artificial Intelligence Review. 2023; 5(2): 8547-8590.

19. Messeri L, Crockett M. Artificial intelligence and illusions of understanding in scientific research. Law and Poliic. 2024; 6(7): 49-58.

20. Moor M, Banerjee O, Abad Z, Krumholz H, Leskovec J, Topol J, et al. Foundation models for generalist medical artificial intelligence. Law and Politic 2023; 6(16): 259-265.

21. Salvagno M, Taccone F, Gerli A. Can artificial intelligence help for scientific writing?. Critical Care. 2023; 27(1): 71-75.

22. Sheth A, Roy K, Gaur M. Neurosymbolic artificial intelligence (why, what, and how). IEEE Intelligent Systems. 2023; 38(3): 56-62.

23. Olexander S. Confiscation as one of the methods ro protects intellectual property rights. Revista Brasileira de Direito. 2023; 19(1): 3-5.

24. Soyer B, Tettenborn A. Artificial intelligence and civil liability - do we need a new regime?. International Journal of Law and Information Technology. 2022; 30(4): 385-397.

25. Larsson M. The law of environmental damage: Liability and reparation. Najafh: Martinus Nijhoff Publishers; 2023. p.85-90.

26. Azik P. A review of international conventions regarding the responsibilities caused by oil pollution of the seas. Isagoge-J Humanit Soc Sci. 2023; 3(1): 273-287.

27. Salmón E, Pérez-León-Acevedo J. Reparation for victims of serious violations of international humanitarian law: New developments. International Review of the Red Cross. 2022; 104(919): 1315-1343.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.